

حماسه «آپامیش»

آپامیش نام قهرمانی افسانه‌ای است که براساس برخی منابع از قرن دهم و برخی دیگر از قرن چهاردهم میلادی سینه به سینه روایت شده و در روند تکاملی خود به داستانهای منظوم و سنتی تبدیل گردیده و امروز کتاب «آپامیش» دارای چهارده هزار بیت شعر ترکی می‌باشد. براساس روایات وارده آپامیش با داستانهای سنتی قبایل ترک در دشت قبچاق یعنی منطقه‌ای که مغولستان، قزاقستان، قرقیزستان و بخشی از ازبکستان را دربر می‌گیرد خلق شده است. این قهرمان را می‌توان با ماناس در داستانهای قرقیزی و با رستم در داستانهای فارسی مقایسه کرد. ملیتهای قزاق، قره‌قالپاق و باشقیرهای تاتار آپامیش را از خود می‌دانند و هریک به گونه‌ای این اسم را به کار می‌برند. ازبکها نام این قهرمان را «آپامیش»، قزاقها و قره‌قالپاقها «آپامیس»، اهالی کوهستان آلتای «آق پومیش یا الپومیش» باشقیرهای تاتار «الپمیش» و تاتارهای قزان «الپامیشه» می‌نامند. الپامیش در بین تاجیکها به دلیل حاکمیت زبان فارسی جایگاه ویژه‌ای ندارد.

در قرون ۱۶ و ۱۷ هنگامی که اشغالگران قلماق (یکی از قبایل ترک) به دشت قبچاق حمله کردند برخی از ادبا جمع‌آوری متون مختلف از داستانهای آپامیش را ضروری دانسته و اقدام به این امر نمودند. از آن زمان به بعد تاکنون دو متن بزرگ و اصلی و ۳۰ متن کوچک از این داستانها جمع‌آوری و حفظ شده است. «فاضل یولداش اوغلی» نقال و نویسنده معروف ازبک عمده‌ترین متن را جمع‌آوری و رونویسی کرده که این متن در حال حاضر نایاب اما در دست تجدید چاپ است و در برخی از کتابخانه‌های ازبکستان موجود می‌باشد.

در این داستانها آپامیش یک شخصیت ظلم‌ستیز است که برای حفظ استقلال و یکپارچگی قبایل و استقرار صلح و آرامش مبارزه می‌کند. وی دارای فضایل و اخلاق حسنه‌ای است که می‌تواند الگوی مردم خود باشد. عشق به میهن، علاقه به محبوب و صداقت از خصوصیات اخلاقی آپامیش است. شخصیتهای دیگر داستان دختری به نام «بارچین» محبوبه آپامیش، قلدرغارچ خواهر و یادگار پسر الپامیش هستند. حماسه الپامیش دو دوره از



زندگی وی را مطرح می‌کند در دوره اول الپامیش برای نجات محبوبش «برچین» که توسط قلماق‌ها اسیر شده است به آن کشور سفر می‌کند با پهلوانهای حریف مبارزه می‌نماید سپس برچین را نجات داده و با وی ازدواج می‌کند و همسر و پدر وی را به قبیله خود منتقل می‌کند. در دوره دوم الپامیش برای نجات پدر و مادر همسر خود از ظلم قلماق‌ها به آن سرزمین سفر کرده و با «تابچه‌خان» حاکم ظالم قالماق می‌جنگد؛ ولی پیروز نمی‌شود و هفت سال زندانی می‌گردد. وی پس از این مدت از زندان فرار کرده و حاکم ظالم را می‌کشد و دوست خود کیقباد را بجای وی بر مسند قدرت می‌نشاند و به سرزمین خود باز می‌گردد.

به نحوی می‌توان گفت که حماسه الپامیش داستان جنگ بین دو قبیله قنقرات متعلق به الپامیش و قبیله قلماق متعلق به دشمن می‌باشد که تا حدی با جنگ ایران و توران در شاهنامه فردوسی شباهت دارد. الپامیش اولین نماینده ادبیات شفاهی ترک‌زبانان در آسیای مرکزی می‌باشد. این داستان به‌عنوان یک منبع تاریخی برای ثبات هویت قومی ترک‌زبانان از آلتای شرقی تا کوه‌های غرب اورال تلقی شده و از آنجا که یادآور مبارزه مردم منطقه برای آزادی می‌باشد در دوران روسیه تزاری موجب نارضایتی حاکمیت از نقل سینه‌به‌سینه این داستان بوده است. روسها با تبلیغ ناسیونالیسم روسی سعی در تحریف و حذف ادبیات فولکلوریک ملت‌های آسیای مرکزی و قفقاز را داشتند و در این راستا بسیاری از متون داستانی الپامیش را نابود و یا تحریف نمودند. از آنجا که نقالها جایگاه خاصی در ادبیات فولکلوریک منطقه داشته و دارند امکان نابودی کامل قصه‌های الپامیش برای روسها وجود نداشت و از سوی دیگر نقالها نیز در یک حرکت مبارزاتی داستانهای الپامیش را جهت داده و با اهداف ضدروسی، مسیحیت ستیزانه و ملی‌گرایانه اقدام به نقل این داستانها می‌نمودند.

نکته جالب این داستانها استفاده از منابع اسلامی است. بعد از قرن دهم و بویژه در قرون چهارده تا هفده میلادی به دلیل اعتقادات اسلامی مردم، داستانهای الپامیش با اسلام آمیختگی خاصی پیدا کرد و روایاتی از کتابهای قضاوت نامه و فتح‌نامه به این داستانها اضافه شد و نقالها که بیشتر گرایشهای قوی اسلامی داشتند پیروزی‌های الپامیش راناشی از قدرت خدا و اسلام و تمسک به سیره پیامبر (ص) و داشتن اخلاق پسندیده اسلامی دانستند



و حتی امروز نیز یکی از مباحث آکادمی ادبیات ازبکستان موضوع اسلام و آلیامیش است (در تاریخ ۷۷/۴/۲۸ نیز رادیو ازبکستان با حضور ادبای کشور در مورد اسلام و آلیامیش برنامه‌ای اجرا نمود). ادبیات‌شناسان ازبکستان معتقدند آلیامیش به دنبال نوعی همبستگی بین انسان و خدا می‌باشد. این قهرمان قدرت خود را ناشی از قدرت خدا دانسته و پیروزی در مقابل دشمنان را بخاطر نیت خداجویانه میسر می‌داند. این داستان هنگامی که از هنر و نقش آن در آداب و سنن ملت‌های منطقه گفتگو می‌کند به موسیقی توجه داشته و استفاده از صورت موزن در زمانهای مختلف را حرکتی نه فقط برای اقامه نماز بلکه برای حفظ فرهنگ مردم این سرزمین تلقی می‌کند.

نقالان نیز به هنگام نقل بخش‌های مذهبی داستان از شیوه خاصی مانند قرائت قرآن و نوحه که به آن قرائت مذهبی می‌گویند استفاده می‌کنند که این امر نیز آمیختگی داستان با اسلام را نشان می‌دهد. در این داستانها پس از پیروزی آلیامیش بر دشمنان که آنان را خائن به ملت می‌نامد فرد خاطی اعدام نمی‌شود؛ بلکه برای ایجاد همبستگی بین او و خدا آزاد گردیده و به یافتن راه پیوند با خدا که معشوق اصلی است، ترغیب می‌گردد.

کارشناسان ادبیات آسیای مرکزی داستان آلیامیش را دارای سه بُعد دانسته‌اند. این ابعاد

عبارت‌اند از:

۱. حماسه (قهرمانی)
۲. عاشقانه
۳. تربیتی

در بُعد حماسی قصه‌های آلیامیش داستان قهرمانی‌های وی بر علیه قوای ظالم یا نیروهایی که قصد ایجاد تفرقه بین قبایل داشتند را بیان می‌کند. وی مبارزه برای آزادی معشوقه را تنها یک انگیزه فردی تلقی نکرده و آن را در جهت نزدیکی خانواده‌ها و نهایتاً قبایل می‌داند. مبارزات آلیامیش برای نجات معشوقه‌اش و جانبازی‌های وی در این راه که حتی منجر به اسارت طویل‌المدت وی می‌گردد و اشعاری که در دوران جنگ و اسارت برای معشوقه خود می‌سراید از لطافت خاصی برخوردار بوده و یاد داستانهای بیژن و منیژه و شیرین و فرهاد را

تداعی می‌سازد. این داستانها در کنار ابعاد حماسی و عاشقانه دارای لطافت و نصایح تربیتی نیز بوده و با استفاده از نظم و نثر خصائل نیکوی انسان از جمله صداقت، میهن‌پرستی، بزرگ‌منشی، اخلاق حسنه، احترام به بزرگان و مبارزه جوانمردانه برای نابودی ظلم و سلطه را بیان می‌نماید.

در برخی از قصه‌های الپامیش تمام ابعاد سه‌گانه وجود داشته و این داستانها که به قصه‌های بلند موسوم است طرفداران بیشتری در میان توده‌های مردم را دارد. براساس یک سنت معمول نقال برای نقل داستانهای الپامیش مشکلات خاصی دارد. وی برای راضی کردن شنوندگان باید تمام داستان را تعریف کرده و از خلاصه‌گویی یا افزودن بر آنها پرهیز نماید. در مبانی فولکلوریک داستانها نظیر لهجه نباید تغییری داده شود و نقل باید با موسیقی و رقصهای سنتی آمیخته گردد. در بسیاری از شهرستانها با نقل داستانهای الپامیش در مراسم عروسی و ختنه‌سوران فضای فرهنگی مناسبی ایجاد می‌گردد و همین فضا و توجه مردم یکی از دلایل حفظ این داستانهای فولکلوریک شده است.

نکته دیگر اینکه هدف اصلی الپامیش که در اکثر داستانهای وی تکرار شده اتحاد قبایل ترک و ایجاد یک وطن بزرگ با خصوصیات مشترک است. توجه به تقویت روابط خانوادگی و جامعه‌ای متشکل از خانواده‌هایی که متحد و متفاهم هستند و تأکید بر ضرورت یک زبان، یک مذهب و یک سرود از ویژگی‌های داستانهای الپامیش می‌باشد.

الپامیش معتقد است که آسیای مرکزی مرز جغرافیایی ندارد مرزها را بیگانگان تحمیل کرده‌اند و آسیای مرکزی سرزمین آباواجدادی تمام کسانی است که در آن زندگی می‌کنند آنها همه یک وطن واحد (YURT) دارند و می‌بایست در مقابل دشمنانی که تهدیدی برای آنان به‌شمار می‌آیند متحد گردند. قبیله‌گرایی در نزد الپامیش محکوم است و رفتار متناسب و مسالمت‌آمیز بین قبایل را رمز موفقیت مردم می‌داند. او همچنین زبان ترکی و دین اسلام را دو محور مهم اتحاد قبایل و به عبارتی مردم آسیای مرکزی می‌داند.

نکته قابل توجه اینکه برخی از نویسندگان از جمله کاتبان روسی سعی دارند تأکید الپامیش بر زبان ترکی را مترادف با اندیشه پان‌ترکیسم در ترکیه نشان دهند؛ در صورتی که

نویسندگان و نقالان آسیای مرکزی این تلقی را مردود می‌شمارند. ادیبان آسیای مرکزی معتقدند نباید آلپامیش را حامی پان‌ترکیسم یا پان‌تورانیسم دانست؛ چراکه تفکر پان‌ترکیسم از سوی ترک‌زبانان آسیای صغیر برای تحکیم سلطه بر جهان یا بخشی از اروپا و آسیا به‌وجود آمد و هیچ سابقه تاریخی یا فکری در میان ترک‌زبانان آسیای مرکزی و قفقاز نداشت.

این تفکر به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای مقابله با امپراتوری عثمانی و همچنین جلوگیری از نفوذ ملی‌گرایی روسی به‌وجود آمد و یکی از وظایف خود را دفاع از مسیحیت دانست. در حالی که داستانهای آلپامیش، وجهه‌ای ضد‌مسیحی داشته و از مسیحیت به‌عنوان ابزاری برای نفوذ بیگانگان در کشورهای ترک‌زبان یاد کرده و در عین حال حامی اسلام به‌عنوان دین ترک‌زبانان می‌باشد.

از سوی دیگر روسیه در سال ۱۸۶۵ پان‌ترکیسم را در جهت منافع خود و به‌عنوان تهدیدی برای منافع بریتانیا در ترکستان ترویج نمود و این نشان می‌دهد که پان‌ترکیسم در آن زمان مورد علاقه روسها بوده است. در حالی که داستانهای آلپامیش به‌رغم تأکید بر اتحاد ترک‌زبانها روحیه‌ای روس‌ستیزانه داشته و ترویج آن نمی‌تواند در جهت منافع روسها باشد. البته نباید منکر این شد که تأکید بر هویت ترکی در عین حال که استقلال فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از روسیه را دنبال می‌کند نوعی همبستگی ترکی را نیز ترویج کرده که این امر زمینه مناسب خوبی برای نفوذ ترکیه در این منطقه ایجاد نموده است و به عبارت دیگر اهداف مشترک بین پان‌ترکیسم و داستانهای آلپامیش نیز می‌توان پیدا کرد. کلام آخر اینکه تا ماه اکتبر سال ۱۹۹۹ که زمان برگزاری هزاره آلپامیش در ازبکستان است بیش از یک سال باقی مانده است و به‌نظر می‌رسد تا آن زمان ابعاد بیشتری از ویژگی‌های این حماسه تاریخی مردم آسیای مرکزی و قفقاز روشن گردد.

1. Central Asian Identity Under the Russian Rule by H.B.Pakay
2. Alpamish by Abubekir Anmadjan Divay